

سرانجام پس از چند سال انتظار شاهد انتشار مجموعه داستانهای زندگی حضرت رسول اکرم (ص) به همت آقای محمدرضا سرشار (نویسنده متعهد و پرکار عرصه ادبیات کورک و نوجوان) هستیم.

هر چند پیش بینی می کردیم و منتظر بودیم که این مجموعه به ۲۰ جلد برسد اما با چاپ چند جلد از این مجموعه، بهتر دیدیم که این اثر را از زاویه دیدهای گوناگون بررسی کنیم در این خصوص،

از نظرات جناب آقای مصطفی دلشاد تهرانی که سالها در عرصه معارف اسلامی و به ویژه تاریخ اسلام مطالعه و تحقیق کرده اند به عنوان کارشناس تاریخ و از جناب آقای مصطفی رحماندوست،

به عنوان کارشناس ادبیات کورک و نوجوان بهره مند شدیم. این نقد به دلیل وسعت حوزه سنجش در سه بخش تقدیم خوانندگان محترم می شود. بخش نخست که در واقع مقدمه ای مروری است

# همتی بلند؛ گامی فردی

## مقدمه

نگاهی به کتابهای تاریخی و سیره از گذشته تاکنون و تلاشهایی که در زمینه ساده نویسی، باز نویسی و باز آفرینی داستانهای مذهبی صورت گرفته است، نشان می دهد که زندگی حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) یکی از مهمترین موضوعات بوده و هست. به گمان ما، ضرورت پرداختن به سیره آن حضرت و از جهات زیر است:

۱. حضرت محمد (ص) خاتم پیامبران است و پس از ایشان پیامبر و دین جدیدی برای بشر نخواهد آمد. پیروان آیین اسلام، بر خود واجب می دانند که به هر طریق ممکن آن حضرت را به مردم مسلمان و غیر مسلمان بشناسانند، چراکه معتقدند اگر شناختی شفاف از زندگی آن حضرت برای انسانها حاصل شود، گرایش فوج مردم<sup>۱</sup> به سوی او و آیین پاکش<sup>۲</sup> را در پی خواهد داشت.

۲. حضرت رسول اکرم (ص) محور اصلی وحدت<sup>۳</sup> جامعه اسلامی است. در عصر حاضر، شاهد جدایی و چندگانگی در فِزق و دسته های دین اسلام هستیم. در این وضعیت، دو محور وحدت میان مسلمانان وجود دارد. محور اول

## نقدی بر مجموعه

## «از سر زمین نور»

## داستان زندگی پیامبر (ص)

### باز آفریده

محمدرضا سرشار (رضا رهگذر)

مصطفی دلشاد تهرانی

تهیه و تنظیم: غلامرضا منفرد



# سفر دراز شام

بازار فایده و محضر حضرت سید مرتضی (رحمه الله)

تفسیر و ترجمه سید مرتضی



قضاوت کنیم،  
بخش سوم این  
نوشتار، نگاهی است  
به جنبه‌های باستانی  
این اثر و همچنین  
ویژگیهای اثر  
انتخابی نویسنده.  
جا دارد  
از تمامی افرادی  
که ما را در این مهم  
مدد رسانده  
یا راهنمایی کرده‌اند  
تشکر کنیم.

بر وضعیت  
باز نویسی زندگی  
حضرت پیامبر (ص)  
و به ملاحظات  
و شئون این مهم  
می پردازد.  
در بخش دوم به نقد  
تاریخی این مجموعه  
پرداخته  
و سعی می‌کنیم  
از نظر سند و عقل  
نسبت به صحت و سقم  
مطالب آن

سفر دراز شام

پرونده شماره ۸

آن، هر یک لبریز از حوادث تلخ و شیرینی است که جدا از تأثیرات مختلف در هر نویسنده‌ای انگیزه باز نویسی زندگی ایشان را در او ایجاد می‌کند.

با پذیرش همه این ضرورتها چند محور اساسی نیز در این موضوع قابل طرح است که در زیر به شرح آنها می‌پردازیم.

## الف - ورود حجم فراوانی از جعلیات به تاریخ اسلام

حقیقت مهم در تاریخ اسلام این است که: «تاریخ مدون اسلام، با همه تلخیا و

۱. اشاره به آیه شریفه اذا جاء نصر الله و الفتح و رایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا (سوره نصر ۱ و ۲)
۲. اشاره به آیه شریفه... فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم و لكن اكثر الناس لا یعلمون (سوره روم ۳۰)
۳. مصداق آیه شریفه و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا (آل عمران ۱۰۳)
۴. اشاره به مضمون آیه «لقد كان لكم فی رسول الله اسوة حسنة» (احزاب ۲۱)
۵. تعبیر «طبيب الدوار» از قول حضرت امیر (ع) درباره پیامبر (ص) در نهج البلاغه و یا «علی خلق عظیم» در آیه ۲ سوره قلم نشانه‌ای از این روحیه است

قرآن کریم است که به دلایل نقلی و عقلی مصون از تحریف بوده و هست. محور دوم شخص پیامبر و سیره ایشان در زمان حیاتشان است. بر این اساس، تلاش در زمینه تبیین زندگی ایشان، باعث ایجاد وحدت و همدلی میان مسلمانان خواهد شد.

۳. سیره حضرت رسول (ص) در واقع آینه تمام‌نمای مکتب اسلام است. به بیان دیگر، اگر خواستار شناخت دین در عرصه عمل هستیم، چاره‌ای نیست جز آنکه آن را در چهره و زندگی آورنده آن آیین مشاهده کنیم.

۴. ضرورت شناخت شیوه برخورد پیامبر (ص) با مردم و اطرافیان به عنوان الگو، امری انکارناپذیر است. یکی از ویژگیهای حضرت رسول (ص) وجود خلق نیکوی ایشان بوده است.<sup>۵</sup> شناساندن این شیوه در عصر ما، چه برای معرفی دین به غیر مسلمانان و چه برای ما مسلمانان به منظور شناخت روش مناسب برخورد با دیگران، بسیار مهم و ضروری است.

۵. زندگی پرتلاطم و پرجاذبه این پیشوای دین، یکی از پرحادثه‌ترین زندگیها در میان بزرگان تاریخ است. عرصه‌های حضور ایشان در زمان پیش از بعثت، پیش از هجرت و پس از

ناگواریهایی که دارد، از غنی‌ترین تاریخ امتهاست و با دقت و گستردگی‌اش از سایر تاریخها متمایز می‌شود. شما در نگرش به تاریخ، مشاهده می‌کنید که حتی، بسیاری از حرکات، توجهات، نگاه‌ها، تا چه رسد به حوادث، موضع‌گیریها و کلمات، تماماً با دقتی بی‌نظیر ثبت شده‌اند....

ویژگی دیگری که تاریخ اسلام را از دیگر تاریخها ممتاز می‌سازد، داشتن یک سلسله قواعد و راه‌هایی است که دانش‌پژوه می‌تواند از آن طریق و با اجتناب از لغزش، توأم با اطمینان کامل، به حقیقت دست یازد...<sup>۱</sup>

اما با این همه باید اقرار کنیم که:

«...وقتی به بعضی از روایات، به عنوان اسناد ثبت‌شده تاریخ زندگی پیامبر اسلام (ص) مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم پیامبری که خداوند او را مَتَّصِف به «عَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» یعنی برترین اخلاق کریم، بلکه اشرف مرسلین و کمال‌یافته‌ترین انسان می‌داند، با ویژگیهای متناقض و حقارت‌باری، ترسیم شده است! [روایات کاذبی که] او را مردی عاجز، کودک‌صفت، جاهل، فردی که در رضایت و خشنودی، بیتاب و سبکسر است و در خشم و غضب، در مانده و سرانجام، انسانی که پیوسته نیازمند یادگیری و تربیت است تا مشکلاتش رفع گردد، معرفی می‌کنند؛ گویی، همه از او داناتر و قوی‌ترند؟!»<sup>۲</sup>

اما دلیل این تحریفات عمدتاً به دست حاکمان اموی و یاران آنها که دشمنان سرسخت پیامبر (ص) بوده‌اند، صورت پذیرفته و پس از آنها، رفته رفته وارد تاریخ اسلام شده است. انگیزه‌های این اقدام به شرح زیر است:

«۱. خصومت دیرینه‌ای که از دیرباز، امویان نسبت به بنی‌هاشم داشتند و پیامبر (ص) نیز از هاشمین است و برقله عزت و شرف جای دارد و

این خود بلندترین افتخار بنی‌هاشم بوده است.  
۲. آنان می‌خواستند با توجیه انحرافات و پلیدیهای هیئت حاکم و کاستن زشتی اعمال آنان، وانمود کنند که مقام و افعال آن حکام با مرد اَوَّل [انسانیت] و الگوی کامل، از لحاظ مقصد چندان تفاوتی نداشته است. اگرچه کم و کیف اعمالشان با رفتار و کردار رسول گرامی یکسان نبوده است.

۳. مخالفان، قصد داشتند که دین را نابود کنند، زیرا در برابر خواسته‌ها و شهواتشان مقاوم بوده و به مصالحشان ضرر می‌زده است.

۴. بسیاری از این حاکمان، به نبوت و رسالت حضرت محمد (ص) رضایت تام [و بلکه اعتقاد] نداشته‌اند.»<sup>۳</sup>

۵. غفلت و نسیان تاریخ‌نگاران

۶. گرایشهای سیاسی، تعصبهای مذهبی و تعلقات اعتقادی تاریخ‌نگاران. اعتقاد بسیاری از مورخان اهل سنت این است که خروج بر حکومت، قیام بر علیه اولوالامر بوده و بایستی تکذیب شود.

۷. درگیریهای قومی، قبیله‌ای و نژادی. این درگیریها باعث شده که هر دسته سعی در تخریب دیگران کند. نمونه چنین حرکتی، پدید آمدن شعوبیه است که در پاسخ تحریف اعراب است.

۸. نقش زنادقه، یهود، غلات و مخالفان اسلام. این بخش که در واقع عوامل مؤثر از سوی مخالفان دین اسلام است، باعث شده که وقایع فراوانی به عنوان اسرائیلیات، وارد تاریخ

۱. علامه صفیر مرتضی عاملی، سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام (ص)، ترجمه حسین تاج‌آبادری، ص ۳۱.  
۲. سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام (ص)، ص ۳۶.  
۳. همان، ص ۲۵.

اسلام شود.

۹. گرایش خاص مورخان. برخی از مورخان که خود معتقد به ایده‌های خاص بوده‌اند و کوشیده‌اند که تأییدی تاریخی بر این گرایش کسب کنند، خواسته یا ناخواسته به تحریف تاریخ دست زده‌اند.

قضایای بدیهی عقلی، مخالف نباشد. قرآن، به‌سختی عقل ارزش نهداده و آن را حکم قرار داده است، همین‌طور آنان را که از عقل هدایت نمی‌یابند، سرزنش می‌کند. قرآن، هیچ‌گاه از ما نمی‌خواهد که بر خلاف عقل حکم کنیم.<sup>۴</sup>

#### ۴. مراجعه به اسناد و منابع دست اول

محقق تاریخ اسلام، برای دستیابی به تاریخ ناب اسلامی لازم است که اولاً به سراغ منابع قدیمی‌تر و اصیل‌تر رفته، ثانیاً در بررسی منابع با شیوه‌های قابل قبول به یک بررسی تطبیقی قاعده‌مند اقدام کند. این بررسی اگر با در نظر گرفتن موارد گفته شده قبلی همراه شود، ثمره‌اش دستیابی به سیره‌ای شفاف از حضرت نبی اکرم(ص) است.

#### ب - اساس ارزشیابی روایات

براساس گفته‌های پیش، هر بررسی تاریخی اسلام باید براساس ملاک‌هایی پذیرفته شده به‌پذیرش حوادث تاریخی اقدام کند. این ملاک‌ها به‌طور عمده عبارتند از:

#### ۱. عرضه کردن روایت بر قرآن

از پیامبر اسلام(ص) روایت شده است که فرمودند: «بعد از من، احادیث فراوانی برای شما می‌آورند؛ پس اگر از من روایتی برای شما نقل شد، آن را بر کتاب خدا عرضه کنید. آنچه موافق کتاب بود، بپذیرید و آنچه مخالف بود، رد کنید.»<sup>۱</sup>

#### ج - کمبود آثار و کم‌مایه بودن آنها

شاید شگفت‌انگیز باشد که با وجود شمار زیادی از منابع در خصوص سیره حضرت رسول اکرم(ص)، به‌درستی نمی‌توان سیره‌ای یکدست و هنرمندانه از ایشان برای کودکان و نوجوانان معرفی کرد. این کمبود، به‌طور عمده ناشی از عوامل زیر است:

#### ۲. شناخت جایگاه پیامبر(ص)

شخصی که سیره نبوی را مورد کاوش قرار می‌دهد، نخست باید حدود شخصیت پیامبر(ص) را به‌طور صحیح و از راه اعتماد بر قرآن و قضایای عقلی و فطری شناسایی کرده، آن‌گاه اخبار مربوطه را - از هر کتابی که باشد - منطبق با وضعی متناسب با شخصیت نمونه پیامبر(ص) بررسی کند. البته با توجه به اینکه گفتیم او عظیم‌ترین نمونه انسانیت و آراسته به بلندمرتبه‌ترین صفات کمال و فضایل انسانی است.<sup>۲</sup>

۱. پرداختن به سیره حضرت رسول(ص) محتاج کند و کاوی تاریخی و شاید خسته‌کننده در آثار تاریخی است، کاری که علاوه بر صبر و حوصله فراوان و دقت لازم، در واقع فعالیت تخصصی است و بسیاری از نویسندگان، یا تخصص و فرصت آن‌چنان پژوهش تاریخی‌ای را ندارند و یا فاقد دقت لازم در این زمینه‌اند. این

۱. به نقل از سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام، ص

۵۲ - منبع اصلی حدیث - اصول الحنفیه، از

«شاشی»، ص ۴۳

۲. همان، ص ۵۵

۳. همان، ص ۵۶

#### ۳. انطباق با عقل و منطق

به‌بیان روش‌نتر وقایع مورد بررسی با

امر باعث می‌شود که یک نویسنده تنها به دلیل نقل یک حادثه در چند سیره از رسول اکرم (ص) - و عموماً مراجع دم‌دستی یا موجود در بازار - به خود اجازه دهد که آن را از مسلمات دین فرض و سعی در بازپرداخت آن کند.

۲. برخی از روایات در سیره حضرت رسول (ص) با وجود محکم نبودن سند، از جاذبه‌های داستانی برخوردارند. دسترسی به منابع حاوی این وقایع، قصه‌نویس را وسوسه می‌کند که آنها را بازآفرینی کند.

**د - لازمه بازنویسی و بازآفرینی سیره معصومین (ع)**

براساس آنچه گفته شد، فردی که قصد دارد سیره هر یک از معصومین (ع) را بنویسد، لازم است موارد زیر را رعایت کند:

۱. مطالعه دقیق اسناد و مدارک دست اول تاریخی.
۲. انتخاب وقایعی که به نظر صحیح می‌رسند و عرضه آن به کارشناسان تاریخ اسلام.
۳. بازپرداخت یا بازنویسی وقایع تأییدشده و عرضه مجدد آن به کارشناسان تاریخ اسلام.
۴. اصلاح نهایی

براساس این شرایط، شاید بهترین شرط کار در زمینه سیره معصومین (ع)، انجام کاری دسته‌جمعی باشد و البته در چنین جمعی، حضور یک کارشناس تاریخ، بسیار ضروری است.

**هدلایل این همه حساسیت و دقت در تدوین سیره معصومین (ع)**

اگرچه لازمه چاپ سیره برای بزرگسالان، دقت و تتبع فراوان است، ولی چون مخاطبان این آثار قدرت تشخیص دارند و می‌توانند

به‌دیگر منابع موجود نیز مراجعه کنند، این عرصه چندان پرخطر نیست، اما زمانی که مخاطب یک اثر کودکان و یا نوجوانان باشند، به‌گمان ما حساسیت و دقت در کار باید چندین برابر باشد. دلایل این تأکید به‌طور عمده به موارد زیر باز می‌گردد:

- جامعه معمولاً به دلیل اعتماد به نویسنده یا ناشئری خاص، تمامی آثارشان را آثاری مناسب و قابل استناد می‌دانند. از آنجا که این مجموعه، توسط آقای رضا رهگذر نویسنده صاحب‌نام حیطه ادبیات کودک و نوجوان نوشته شده و ایشان بارها در نقد آثار تاریخی بر تحقیق نویسنده تأکید ورزیده‌اند، و نیز چون این کتابها توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده که سالهاست آثار مختلفی برای کودکان و نوجوانان این سرزمین چاپ و منتشر می‌کند، پیشاپیش به‌عنوان اثری تهیه شده بر مبنای پژوهشهای تاریخی و خالی از نقص تلقی شده و خود به‌سندی خدشه‌ناپذیر در این عرصه تبدیل می‌شود. این مقبولیت در صورت تداوم می‌تواند استفاده از این اثر را در کتابهای درسی توجیه کند که در این صورت، جزء ماندنی‌ترین آثار مکتوب کشور ثبت خواهد شد.

- مخاطب این مجموعه درواقع کودکان و نوجوانانی هستند که اطلاع چندانی از تاریخ اسلام ندارند. بنابراین آنچه را که در زمینه سیره حضرت رسول (ص) و دیگر معصومین (ع) به آنها عرضه شود - خصوصاً اگر با بیانی هنرمندانه و در قالب داستان باشد - به‌سرعت می‌پذیرند و در نهاد خود حفظ

۱. نگاه کنید به کتاب و اما بعد... نقد کتاب دلاوران قلعه آخولقه (۱۳۶۶ ص ۱۰۲ - ۱۵۶) و یا نقد کتاب اندوه برادر در کتاب بیابید ماهیگیری بیاموزیم (۱۳۶۸ ص ۱۶۰ - ۱۸۸)

شاید به همین دلیل باشد که پس از سالها تلاش در زمینه بررسی سیره حضرت رسول (ص) هنوز هم راه ناگشوده و ناهموار بسیار است و هنوز هم چشمه‌هایی زلال از سوژه‌های بکر داستانی در زندگی آن حضرت هست که میل به نوشتن آنها را در جان بسیاری از نویسندگان برمی‌انگیزاند.

— زندگی پیامبر اکرم (ص) در واقع ترسیم‌کننده شخصیتی است که به عنوان الگوی راستین و اسوه حسنه<sup>۱</sup> مسلمانان است.

### ز- مزایای این بازآفرینی

این مجموعه، تلاش شایسته‌ای است که ویژگیهای چندی، آن را به اثری خواندنی، جذاب و تأثیرگذار تبدیل کرده است.

— نگاهی به پایان هر جلد، نشان می‌دهد نویسنده سعی کرده است تا از منابع مرتبط با سیره حضرت رسول اکرم (ص) کمک بگیرد. اما متأسفانه تأمل در این منابع نشان می‌دهد که با

می‌کنند. زدودن چنین بینشی در سالهای بعد، شاید نه ممکن باشد و نه به صلاح. به همین سبب اصرار داریم که برای این گروه سنی، موارد اختلاف در تاریخ اسلام و یا اتفاقاتی که جای سؤال و ابهام دارد، مطرح نشود تا در آنها ایجاد شک و تردید نکند. جالب آنکه حضرت علی (علیه السلام) خطاب به فرزندان بزرگوارشان می‌فرماید: «فَسْتَخْلَصْتُ لَكُمُ الْخَيْلَةَ...»<sup>۱</sup>

### و- ویژگی خاص سیره پیامبر (ص)

در کنار آنچه آمد، سیره حضرت رسول اکرم (ص) دارای ویژگیهای خاصی است که انگیزه کافی تدوین آن را در محققان و نویسندگان فراهم می‌سازد. عمده‌ترین ویژگیها از این نظر، عبارتند از:

— نگاهی اجمالی به تاریخ اسلام، به خوبی نشان می‌دهد که یکی از پرجمع‌ترین موضوعات مطروحه، در زمینه سیره حضرت محمد (ص) بوده است. کتابهای مستقل و یا کتابهایی که به شکل موضوعی سیره آن حضرت را بیان کرده‌اند، بسیار زیادند. این ویژگی، دست نویسنده را در بازنویسی و بازآفرینی زندگی ایشان با مشکل روبه‌رو نساخته، بلکه او را به فکر گزینش این آثار می‌اندازد. دقت نظر سیره‌نویسان در زوایای بسیار کوچک سیره آن یگانه عالم شوق هر نویسنده مسلمان را برای تدوین آثاری درباره آن برمی‌انگیزد.

— زندگی حضرت رسول (ص) از نظرگاه دیگری نیز برای داستان‌نویسان جذاب است. وجود برهه‌های مختلف در زندگی ایشان که هر کدام فرازهای بسیار جذابی در تاریخ به‌شمار می‌آیند و همچنین حضور شخصیت‌های مهم در این مقاطع، دستمایه بسیار گرانبهایی برای بازنویسی و بازپروری سیره ایشان است.



۱. (آنچه در تاریخ پیشینیان آمده بود را) برای تو استخراج و سپس خلاصه کرده و آنچه برای تو مفید است انتخاب نموده‌ام. (نامه ۲۱ نهج البلاغه)  
 ۲. لقد كان لکم فی رسول الله اسوة حسنة (سوره احزاب، آیه ۲۱)

دقت انتخاب نشده‌اند و به‌جز دو یا سه منبع که دست اول هستند، دیگر منابع متأخر بوده و در میان آنها نیز جای شماری از منابع جدی و قوی خالی است.<sup>۱</sup>

— فضاسازی نویسنده از محیط صدر اسلام، نشان از تحقیق و تفحص نویسنده در محیط عربستان آن زمان دارد. دقت ایشان در ترسیم فضاها، لباسها، ابزارها و... همه و همه نشان از ظرافت به‌کار گرفته از سوی نویسنده دارد.

— پرداخت حوادث در هر جلد، از دیگر ویژگیهای این آثار تلقی می‌شود. نویسنده با توجه به تسلط بر عناصر داستانی، سعی کرده است تاریخ را با زبانی داستانی برای مخاطبان خود نقل کند. در این زمینه، نوشتار ایشان به‌اثری خواندنی و جذاب تبدیل شده است که در آن نه تنها از خشکی تاریخ اثری نیست بلکه حوادث تاریخی به‌گونه‌ای ریایی شده‌اند که ریشه‌های آن در گذشته‌ها به‌خوبی ترسیم شده است.

— نویسنده، نثر ویژه‌ای را در نقل سیره پیامبر(ص) برگزیده که در تمام آثار این مجموعه به‌شکلی یکسان تداوم یافته است. این نثر گرچه خالی از دشواری نیست، ولی به‌دلیل استفاده از ساختمانی قدیمی و تا حدی فاخر، توانسته است خواننده را با گذشته، آن هم با حال و هوای آن دوران، آشنا کند.

— مهمترین ویژگی این مجموعه، یگانه و منحصر به‌فرد بودن آن است. ادبیات کودک و نوجوان ایران پس از سالها انتظار، شاهد انتشار اثری است که سعی دارد به شکلی داستانی، سیره حضرت محمد(ص) را برای نوجوانان ترسیم کند. این کار چه به‌لحاظ حجم و چه به‌لحاظ نحوه روایت، تاکنون سابقه نداشته است.

**ح- ضرورت نقد و بررسی این مجموعه**  
با وجود پذیرش ویژگیهای یاد شده، متأسفانه این مجموعه هنوز از چند جنبه مهم با مشکل روبه‌رو است. این کاستی از نگاه این نقد به‌دو نقص عمده این مجموعه باز می‌گردد. در دید نخست، هنوز هم حوادث این مجموعه دارای استناد کافی و قوام‌یافته نیست<sup>۲</sup> و از

۱. مسلمانان در قرون اولیه در رشته‌های متعدد به‌تألیفاتی در زمینه تاریخ اسلام دست زده‌اند که در آنها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به‌سیره پیامبر اسلام پرداخته شده است. لازمه بررسی تاریخی در سیره حضرت رسول (ص) مراجعه به‌تمام یا اکثر این منابع است که در پیوست مقاله حاضر به‌شکل الفبایی آمده است.

۲. با وجود نقل قول مستقیم نویسنده از متن کتابی خاص، نشانی آن - لاقال در پاورقی - نیامده است. به‌عنوان مثال، در صفحه ۲۴ از کتاب «شب رویش غنچه نور» متن زیر در داخل گیومه و به‌عنوان نقل قول مستقیم آمده است:

«در آن روزگار، ملت عرب، بر بدترین آیینها دل خوش داشتند و در بدترین وضعها، به‌زیستن بودند. پیرامونشان صخره‌های خشن، و ماران سهمناک بود. آبهای آلوده می‌نوشیدند و طعمهای ناگوار می‌خوردند. بچه کوچک بهانه‌ای، خون یکدیگر را می‌ریختند و پیوند خویش را از نزدیکان می‌بریدند.

بتان در میان ایشان برپا بود و گناهان آنان را فرا گرفته بود...» [خطبه ۲۶ نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام]

در صفحه ۲۶ همان کتاب می‌خوانیم:

«پسرعمویم، مرا در دامان خویش می‌پرورد. بسیار مرا بر سینه خود می‌چسباند، و در بستر خویش می‌خواباند؛ و در این حال، عطر خوش تنش را استشمام می‌کردم. من نیز پیوسته در پی او دوان بودم؛ چونان رفتن بچه شتری در پی مادر خویش.» [خطبه قاصعه نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام]

جالب آنکه با وجود نقل قول مستقیم از نهج‌البلاغه در این دو صفحه، نه در پاورقی این صفحات و نه در صفحه ۴۸ کتاب که منابع داستان در آن قید شده، به نهج‌البلاغه اشاره‌ای نشده است.

سالکی، با قدری تفاوت در کتابهای سیره حضرت محمد(ص) آمده است. با وجود این اصل داستان یاد شده از نظر سندیت تاریخی، ضعیف و مخدوش است. حتی آنچه در کتابهای حدیث شیعی وارد شده، از نظر سند، مقطوع، ضعیف و یا مرفوع است. علت این ضعف به وجود کسانی در زنجیره سند اشخاص آن باز می‌گردد که به هیچ وجه محل اعتماد و وثوق تاریخ نیستند.

شخصیت «بحیرا» نیز با اوصافی که درباره وی ذکر شده، به شدت مورد تردید است. جالب اینکه در نام این شخصیت نیز اتفاق نظری وجود ندارد. از این نظر، برخی معتقدند که شخصیت بحیرا ساختگی است. به عنوان مثال، استاد «هاشم معروف الحسنی» در کتاب «سیده»<sup>۱</sup> از جمله این منابع می‌توان به سیره ابن هشام، طبقات ابن سعد، تاریخ یعقوبی، مروج الذهب مسعودی، تاریخ طبری، مناقب ابن شهر آشوب، کامل ابن اثیر و تاریخ ذهبی اشاره کرد.

نظرگاه دیگر، این اثر به لحاظ عدم توجه به جنبه‌های ادبی، هنوز هم تا رسیدن به حد اثری ماندگار، فاصله دارد. انتظار می‌رفت با صرف وقت فراوانی که آقای محمدرضا سرشار در تألیف این کتابها به خرج داده‌اند، آثار موجود در سطحی شایسته‌تر از این عرضه می‌شد.



## بررسی این مجموعه به لحاظ سندیت تاریخی

در این بخش، تک تک جلد‌های این مجموعه به طور مستقل، از نظر سندیت تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در انتهای این بخش نیز تحلیلی کلی از این نظرگاه ارائه خواهد شد.

### \* سفر دراز شاه

(داستان کودکی پیامبر(ص))

خلاصه: حضرت محمد(ص) در سنین کودکی، همراه عمویش ابوطالب به سمت شام حرکت می‌کند. در میانه راه، به صومعه‌ای می‌رسند که دانشمندی مسیحی در آن به عبادت خداوند مشغول است. برخورد با این دانشمند، موجب می‌شود که او محمد(ص) را دیده و براساس پیشگویی کتابهای قدیمی، ادعا کند که وی سالها بعد به مقام پیامبری خواهد رسید.

تحلیل کلی: این داستان را که پیش از این در کتابهای تعلیمات دینی دوره ابتدایی نیز آمده است، تنها به شکل کلی، تحلیل کرده و از اجزای آن صرف نظر می‌کنیم.

داستان این سفر پیامبر در نه سالگی، دوازده سالگی و در برخی منابع سیزده





المصطفی»<sup>۱</sup> معتقد است که اختلافهای موجود در این داستان و وجود راویان متهم به کذب در سلسلهٔ راویان آن، ثابت می‌کند که این داستان ساخته و پرداختهٔ کسانی است که خواسته‌اند با نقل این سفرها و کرامات اشاره شده در آن برای پیامبر اسلام، ابواب شک و تردید را بر رسالت حضرت محمد(ص) و پیامبری او بگشایند. این اخبار، کاستیهای فراوانی از نظر سند و متن دارند.

ایشان احتمال می‌دهند اشخاصی مانند کعب الاحبار، ابوهریره، وهب بن منبه، تمیم دارمی و افرادی مانند آنها که از برجستگان حرفه‌ای در افسانه‌سرایی و آمیختن عجایب و غرایب بسیار با حوادث و ماجراهای عادی‌اند، طراحان این گونه داستانها هستند. هدف این عده نیز مشوش ساختن حقایق اسلام و سست کردن بنیان رسالت است.

واکنش تاریخ‌نویسان معاصر در برخورد با این داستان، معمولاً پذیرش کلی آن است. در این میان، حتی برخی از ایشان در مقام دفاع از این ماجرا برآمده‌اند و سعی کرده‌اند با حذف برخی قسمتهای ماجرا، اصل سفر به شام و دیدار بحیرای راهب را با حضرت محمد(ص)، اثبات کنند.

## \* دیگران، شاه

(داستان جوانی پیام‌آور اسلام(ص))

خلاصه، پیامبر اکرم(ص) در سنین جوانی از سوی خدیجه(س) که بانویی متمول و بازرگان در شهر مکه است، مأمور می‌شود کالای او را به شام برده و به بهایی مناسب بفروشد. حاصل این سفر، گذر پیامبر(ص) از سرزمینهای فراوان و آشنایی بیشتر اطرافیان با خلق و خوی نرم او و در نهایت فروش مناسب و اثبات مجدد امانتداری وی به مکیان و به‌ویژه خدیجه است.

تحلیل: دربارهٔ ماجرای این کتاب، دو نکته و در دو سطح قابل ذکر است. نکته اول تحلیل کلی این ماجراست و نکته دوم استنادی است که در یکی از صفحات کتاب شده است.

۱. تحلیل کلی - یکی از اصول مسلم در سیرهٔ پیامبر اکرم(ص) که در سراسر عمر پربرکت وی و حتی سیرهٔ پدران ایشان وجود داشته، اصل «عزت» است. با توجه به این اصل، مسئله اجیر کردن پیامبر(ص) در این ماجرا توسط خدیجه، که دستمایهٔ اصلی داستان کتاب است، قطعاً نادرست و غیرقابل باور است.

«یعقوبی» در کتاب خود می‌نویسد: اعتقاد مردم بر اجیر کردن پیامبر(ص) توسط خدیجه باوری نادرست است، چراکه هیچ‌کس در هیچ



۱. سیده المصطفی، هاشم معروف الحسنی، الطبعة الثالثة، دارالقلم، بیروت، ۱۹۸۱ م، ص ۵۶ - ۵۴.

هنگام نتوانسته پیامبر را اجیر کند<sup>۱</sup>.

«علامه مجلسی» نیز در کتاب بحارالانوار نقل می‌کند: اگر چنین سفری اتفاق افتاده باشد، شرکت پیامبر(ص) در آن، یا به صورت مضاربه و یا به شکل شراکت با خدیجه بوده است<sup>۲</sup>.

۲. در صفحه ۲۸ این کتاب، به جنگ ابوطالب که حضرت محمد(ص) نیز همراه ایشان بوده است، اشاره شده است. این خبر، یکی از نمونه اخبار دروغ در سیره آن حضرت تلقی می‌شود. دلایل این قضاوت عبارتند از:

– جنگ فجار در ماه رجب از ماههای حرام رخ داده‌است و بی‌گمان ابوطالب و حضرت محمد(ص) مقید بوده‌اند که حرمت این ماه محفوظ بماند.

– شأن ابوطالب و حضرت محمد(ص) برتر از آن است که به این امور آلوده شوند.

– وجود تشبث در اخبار مربوط به این جنگ و مسائل مربوط به آن و از جمله حضور حضرت رسول اکرم(ص) در آن را می‌توان نشانه صریح جعلیات دانست.

### \* ای جامه بر سر کشیده، بر فیز<sup>۳</sup>

(داستان سه سال آغازین اسلام)

خلاصه: همان‌گونه که از عنوان کتاب نیز پیداست، محور ماجراهای این مجلد، حوادث هنگام بعثت حضرت رسول(ص) و ماجرای ایمان آوردن مخفیانه مسلمانان در سه سال دعوت غیرعلنی ایشان است.

تحلیل: کتاب حاضر از چند جنبه زیر با اشکال روبه‌روست:

۱. نسبت دادن صفاتی به حضرت رسول اکرم(ص) که خلاف مقام معصومیت ایشان است، به‌عنوان مثال:

– نسبت دادن ضعف جسمانی و روانی پیامبر(ص):

جان و تن او آزموده و مہیای این ارتباط و دریافت دشوار و مرموز نبود. [صفحه ۸ سطرهای ۸ و ۹]  
«دلشوره‌ای بس بزرگ، روانش را به تلاطم در آورده بود.» [صفحه ۸ سطر ۲۳]

«او را آیا این توان بود تا از این آزمایش دشوار سرفراز به‌در آید؟» [صفحه ۸ سطر ۲۴]

«...بخشی از این بار پشت‌شکن بر دوش وی آوار می‌ساخت.» [صفحه ۱۱ سطر ۱۵]

این در حالی است که از حکمت خداوندی

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱.

۲. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵.

۴. این کتاب توسط انتشارات پیام آزادی در ۱۱۰۰۰ نسخه، در سال ۱۳۵۷ منتشر شده است.



– یعقوبی در تاریخ خود<sup>۴</sup> نقل می‌کند که ابوطالب چنین نبردی را ظلم و تجاوز و قطع رحم و حلال شمردن حرمت جنگ در ماههای حرام خواند و شرکت حتی یک نفر از بنی‌هاشم را در آن جنگ، ممنوع کرد.  
– شرکت در جنگی ظالمانه، به‌طور قطع خلاف عصمت پیامبر است.

به دور است که فردی پیش از مهیا شدن و آمادگی کامل، به رسالت برانگیخته شود.

— شک و تردید پیامبر(ص):

«...اینک آیا از پس برداشتن این بار سنگین بر می توانست آمد؟» [صفحه ۱۰ سطرهای ۱۰ و ۱۱]

«شادمانی و اندوه، امید و بیم، یقین و هم تردید...» [صفحه ۱۰ سطر ۱۷]

این در حالی است که پیامبر به واسطه معصوم بودن، دچار شک و تردید نمی شود.

— خواب سنگین و فراموشی و غفلت پیامبر(ص):

«پیامبر را خوابی ژرف در خود گرفته بود...» [صفحه ۱۹ سطر ۶]

«آه... چگونه از یاد برده بود...» [صفحه ۲۰ سطر ۲۰]

«محمد، چونان بنده‌ای گنهگار که در خدمت به سرور خویش کوتاهی کرده و از یاد او غافل گشته باشد.» [صفحه ۲۰ سطرهای ۲۳ و ۲۴]

در اعتقاد شیعه، غفلت، فراموشی و خواب سنگین، بر پیامبر پذیرفته نیست. به ویژه که پیامبر به دلیل ملکه عصمت، همیشه و همه جا

خدا را ناظر بر اعمال خویش می بیند و از خداوند غافل نمی شود.

— نسبت دادن برخی صفات دون شأن حضرت رسول اکرم(ص)

در جای جای این کتاب، آن حضرت با صفات مختلف نامیده و توصیف شده اند که این صفات در برخی موارد با شأن و جایگاه ایشان همخوانی ندارد. به عنوان مثال درست است که ایشان فردی باحیا بوده اند، اما توصیفی که نویسنده محترم در سطرهای ۲۲ و ۲۳ صفحه ۲۴ از ایشان کرده است، چندان شایسته مقام وی نیست:

«پیامبر با حُجب همارة خود، که به جای دختران نوجوان پهلوی می زد، گفت: از پس آن، بر پیغمبری من گواهی دهی.»

۲. معرفی اغراق آمیز شخصیت ورقه بن نوفل

برخی از اسلام شناسان، وجود چنین شخصی نصرانی را که با خدیجه نسبت خویشاوندی دارد، نمی پذیرند. علاوه بر این، نسبت هایی که در کتاب حاضر به این شخصیت داده می شود، نه تنها باورکردنی نیست بلکه به نوعی، عصمت حضرت رسول اکرم(ص) را خدشه دار می کند. نمونه این صفات عبارتند از: — ورقه پیش از نزول وحی، از مفاد آن آگاه است:

«...از این دیار پیغمبری برانگیزد که یتیم باشد و او پناهنش دهد؛ و درویش باشد و خداوند بی نیازش گرداند؛ و حیرت زده و سرگردان باشد و خدایش راه نماید.» [صفحه ۱۸ سطرهای ۷ تا ۹]

با خواندن این گفتار که از زبان ورقه و در تأیید رسالت پیامبر(ص) نقل شده است، به یاد آیات زیر از سورة الضحی می افتیم. این در حالی است که این کلام ورقه، درست پس از



چون تو مردی نیامده است، جز آنکه قومش به دشمنی او کمر بسته‌اند. پس، تو نیز آن‌گاه که پیمبری خویش آشکار کنی و مردمان سوی خدای خوانی، دروغ‌گویت خوانند و برنجانند. پس، از مکه به‌درت کنند، و با تو سیزه در پیش گیرند.» [صفحه ۲۷ سطرهای ۸ تا ۱۷]

**۳. نسبت دادن رفتارهایی به خدیجه**  
— آرامش بخشیدن و تلقین به پیامبر که او پیامبر خداست:

«... تو را در خاطر هست ای پسرعمو، که پیشتر، چون جبریل چند بار بر تو آشکار شد و تو راز با من گفتی، روزی گفتمت که او نه شیطان، بل فرشته است؟» [صفحه ۱۲ سطرهای ۲۰ تا ۲۲]

«آرام پسرعمو! شادمان و استوار باش! سوگند به آن که جان خدیجه به‌دست اوست، که این پاداش آن مایه رحمتها و پرهیزگاریهای توست! پیمبری این قوم بر تو خجسته باد، ای امین جمله مردمان شهر!» [صفحه ۱۳ سطرهای ۱۲ تا ۱۴]



نخستین وحی گفته شده که **سوره الضحی** هنوز نازل نشده است.

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ (۱) وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ (۲) وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ (۳)

آیا خداوند ترا یتیم نیافت و پناهت نداد. آیا ترا سرگردان نیافت و هدایتت نکرد. و آیا ترا مستمند نیافت و بی‌نیازت نکرد؟

— ورقه، تأییدکننده نبوت حضرت بوده و پیامبر(ص) و خدیجه را از شک و دودلی نجات می‌دهد:

«اینک ای خدیجه، اگر این حکایت که مرا گفتی راست باشد، بدان که آنچه جبریل امین با ابالقاسم گفته، وحی پروردگار بوده است؛ و او هم آن پیمبر باشد.

خدیجه بر آن بود تا سوی سرای خویش باز رود، که ورقه گفت: ای سرور زنان قریش؛ من خود نیز سه شب بود در خواب می‌دیدم که خداوند پیمبری سوی مکه روانه ساخته است. اینک نیز من در میان جمله مردم، کس از او بهتر نمی‌شناسم که سزاوار این مقام باشد.» [صفحه ۱۸ سطرهای ۱۵ تا ۲۱]

— اطلاع ورقه از اسراری که پیامبر از آنها آگاهی ندارد:

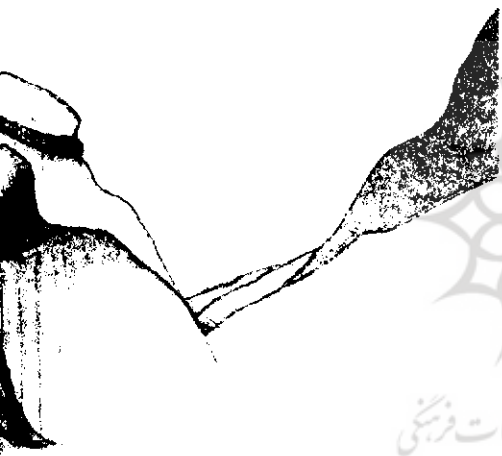
«آن فرشته، جبریل بود!»

این سخن از ورقه است که در ملاقات با حضرت محمد(ص) از بسیاری اسرار آگاهی دارد. در زیر تنها به ذکر نمونه‌ای اکتفا می‌کنیم. جالب آنکه پیامبر گویا در تردید است که آنچه بر او نازل شده وحی است یا چیزی دیگر که ورقه این‌گونه اظهار می‌دارد:

«... ای محمد؛ سوگند به آن پروردگار که روان ورقه در دست اوست، آن فرشته که دوش بر تو فرود آمد، هم آن نگاهدار بزرگ راز خداوند است، که پیشتر به موسی و عیسی فرود می‌آمد. و آن سخن که او با تو گفته، وحی خداوند بوده است. اینک تو پیمبر آخرین و بهتر جهانیانی. لیک، باید که در این راه پایداری بسیار ورزی. چه، هرگز

تصویرگر این کتاب، نهایت تلاش خود را برای ارائه تصویرهایی جدی به خرج داده، اما واقعیت این است که برای انجام کارهای هنری، تنها حسن نیت کافی نیست و بخش زیادی از موفقیت یک تصویر وابسته به شناخت تصویرگر از مضمون داستان است.

تصویرسازی برای داستانهای دینی، نیاز مبرمی به درک تصویرگر از هنر دینی دارد و استفاده از شتر و لباس عربی و غیره، یک تصویر طبیعت‌گرایانه را به‌اثری دینی تبدیل نمی‌کند.



سفر دراز شام

روی جلد این کتاب گیراست، اما به‌خاطر استفاده تصویرگر از شیوه نقاشی بیزانسی، انتظار خواندن داستانی مسیحی در بیننده ایجاد می‌شود. دو بخش آخر این مجموعه نیز که دربارهٔ بحیرای راهب و رویارویی او با حضرت محمد(ص) است، داستان زندگی حضرت محمد را به‌ماجرایی بیزانسی تبدیل نمی‌کند و به‌نظر نمی‌رسد که استفاده از عناصر نقاشی مسیحی برای داستان زندگی حضرت محمد(ص) انتخاب مناسبی باشد.

۱. از جمله، آیات ۲۲ سوره فرقان، ۱۰۲ سوره نحل و ۵۷ سوره انعام.

علاوه بر اینکه این تردیدها دون شأن عصمت حضرت رسول اکرم است، آیات مختلفی<sup>۱</sup> این گفته را که ایشان دچار تردید و دودلی شده‌اند، رد می‌کند. آنچه از همه غیرقابل باورتر است، همانا آگاهی خدیجه از حادثه‌ای است که پیامبر دیده و او شنیده و شگفت‌آور این است که خدیجه براساس این آگاهی، پیامبر (ص) را آرام می‌سازد.

— اول مسلمان دانستن خدیجه:

براساس اعتقاد شیعه که به‌شکل صریح و مشخص در کتاب «الغدیر» آمده و همچنین بر مبنای مفاد خطبهٔ قاصعه در نهج‌البلاغه، حضرت علی(ع) نخستین فردی است که به‌دین اسلام مشرف شده است، اما در صفحهٔ ۲۲ این کتاب، خدیجه به‌عنوان نخستین فرد ایمان آورنده به‌حضرت رسول(ص) معرفی شده است.

«...از مردمان یکی من! نخست از جملهٔ ایشان، کیش خویش بر من عرضه کن. اینک برگو تا چه بایدم کردن؟» [صفحه ۲۲ سطرهای ۲۰ تا ۲۳]

— اغراق در تأثیر خدیجه:

در وصف حال حضرت رسول اکرم(ص) پس از ایمان آوردن خدیجه چنین آمده است: «ایران اندوه، به‌یکباره گویی از آسمان دل محمد به‌یک سو روانه شدند. سایهٔ تاریک غم از دیدگانش زدوده گشت، و یکی برق از شادی در آنها جستن گرفت.» [صفحه ۲۲ سطر آخر و صفحهٔ ۲۳ سطر اول]

«هرچند محمد از آن روز که خدیجه را به‌همسری گرفت غرغرهٔ آسایش و رفاه شد،...» [صفحه ۲۲ سطرهای ۱ و ۲]

در خاتمهٔ مطلب، تحلیل کوتاهی بر تصویرهای این کتابها را به‌قلم آقای



کریم نصر می‌خوانید:

دیگر بار، شام و ای جامه بر سر کشیده، برخیز



### پیوست:

#### منابع تاریخ و سیره پیامبر به ترتیب الفبایی مؤلفان

۱. ابن ابی زید القيروانی، أبو محمد عبدالله (ت ۳۸۶ ق)، کتاب الجامع فی السنن و الآداب و المغازی و التاريخ.
۲. ابن ابی شیبیه، ابوبکر عبدالله بن محمد (ت ۲۳۵ ق)، المصنف فی الاحادیث و الآثار.
۳. ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد (ت ۶۳۰ ق)، اسد الغابة فی معرفة الصحابة.
۴. \_\_\_\_\_، الکامل فی التاريخ.
۵. ابن الاثیر الجزری، مجدالدین ابوالسعادات المبارک بن محمد (ت ۶۰۶ ق)، جامع الاصول من احادیث الرسول.
۶. ابن اسحاق، محمد (ت ۱۵۱ ق)، السیر و المغازی.
۷. ابن الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (ت ۵۹۷ ق)، الوفاء باحوال المصطفی.
۸. ابن حبان البستی، ابوجاتم محمد بن احمد التمیمی (ت ۳۵۴ ق)، السیره النبویه و اخبار الخلفاء.
۹. ابن حجر العسقلانی، شهابالدین احمد بن علی (ت ۸۵۲ ق)، الاصابة فی تمييز الصحابة.
۱۰. ابن خزم الاتدلسی، علی بن احمد بن سعید (ت ۴۵۶ ق)، جمهرة انساب العرب.
۱۱. \_\_\_\_\_، جوامع السیره النبویه.
۱۲. ابن السائب الکلبی، ابوالمنذر هشام بن محمد بن ابی نصر (ت ۲۰۴ ق)، جمهرة النساب.
۱۳. ابن حبان الاصبهانی، ابومحمد عبدالله بن محمد بن جعفر المعروف بابی الشیخ (ت ۳۶۹ ق)، اخلاق النبی و آدابه.
۱۴. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (ت ۸۰۸ ق)، دیوان المبتدأ و الخیر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر (تاریخ ابن خلدون).
۱۵. ابن سعد، ابوعبدالله محمد (ت ۲۳۰ ق)، الطبقات الکبری.
۱۶. ابن سلامة القضاءعی، ابوعبدالله محمد (ت ۴۵۴ ق)، مسد الشهاب.
۱۷. ابن السننی، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق (ت ۳۶۴ ق)، عمل الیوم و اللیلة، سلوک النبی مع ربه.

طراحی‌های داخل کتاب، تکراری و غیردینی‌اند. ادغام پرسپکتیو رنسانسی در کنار خطوط پریپچ و تاب عربی، نشان‌دهنده ناآشنایی تصویرگر با هنر دینی است. افزون بر این، تصاویر کتاب فاقد ساختار مناسب تصویری بوده و ناهمگون‌اند. برای مثال در تصویر صفحات ۲۷-۳۶ و ۲۱-۲۰ خطوطی که درختها را می‌نمایانند، با فضای تصویر کاملاً بیگانه‌اند.

در مجموع، می‌توان گفت که طراحی‌های این کتاب کمی سهل‌انگارانه اجرا شده‌اند. بخش دوم این مطلب: در شماره بعدی

پژوهشنامه

